

در خدمت نواب معزنی الیه کذا شد و عالیجاه پشاور الیه کمال مراقبت و رسیدگی در انجام خدمات
محول بجا آورد و امور عرض و دادر عایا و بریایا را بر حسب قرار داد متصرفان خان حاجی حسنعلی بن
بصالح و صواب بد جناب شریعت آنگاه حاجی میرزا معین الدین شیخ الاسلام فیصل سید بد و هم
با تمامی اعیان و کدخدایان خدمت نواب شاهزاده رسیده امور و معاملات اتفاقاً را
معرض و بد آنچه حکم نواب معزنی الیه شود معمول میدارد و بزرگوار است نظام امر شهر و محلات
و کرمه و مستحق تا کید و اتهام تمام نموده علاوه بر یکصد نفر کرمه ابو ایحیی عالیجاه و نواب خان
عالیجاه علی بیک تفنگدار پادشاهی و آقازین و اعیان درین فراسی باسی نفر فرانسس
شهباز در بازارها و محلات کرمه و رسیدگی کرده بکفایت و حرمت مشغولند با اینک در
نوشته اند که بجهت بارندگی زیاد خرابی بسیار بجا نماند رسیده و اغلب خانه داریوارشان منهدم
گردیده بعضی داریوارهای بیست کوچ خراب و بعضی چهارخانه و پنج خانه بهم راه پیدا کرده
و لگ درزی و بهرزی که هیچ وجه اتفاق نمی افتد و شرب و شرارت و فحش می یابد و کمال
افیت در شهر و محلات حاصل است (دیگر نوشته اند که رودخانه که از میان شهر
میکند رود آب اکثری از باغات و غیره از آنجا داده میشود درین سال بجهت کثرت برف و آب
خرابی بان رودخانه رسیده بود عالیجاه تقی خان درین باب اهتمام زیاد نموده که خدا
فعله میدان کوسفند را خواسته قرار داد که از ده قین جمعیت کرده رودخانه بزرگتر است
پاک نمایند و هر جای آن که خراب شده و خرابی لازم دارد بازند و یک نفر آدم
هم مشخص نمود که در سراب بخشان بوده بقدر کجایش رودخانه آب بشهر جاری نماید و بجهت
طبیعت آب فی آنجا خرابی بدی که بسته بودند رسیده و شویس آن بود که آب طبعیان کرده
سدر امهدم نماید و خرابی بشهر رسد عالیجاه پشاور الیه بنا و معارف ستاوه استخارا باز دید
کرده عله و بنا بکار انداخته که حکم و مضبوط سازند (دیگر نوشته اند که بابا مهدی نام پاک
مخدوم باغان از بعضی اهالی آن محل و جوی بخلاف حساب و حواله دیوانیان مطالبه می نمود استخا
مر بوجه متوسط عالیجاه تقی خان مراتب را بعضی نواب شاهزاده رسانیده درین باب
تحقیق نمودند معلوم گردید که سابقاً دیوانیان بخواجه از بیات احرب عله عمراوه گشتی دستکار
حواله کرده در ثانی این اشخاص را از دادن وجه مزبور محاف کرده بودند و مشارالیه بخلاف حساب
وجه از آنها عینوده لهذا از معزنی الیه اوراقیه کرده از آن سفل سفرو ل نو و ندح

۲۴۸۹

کیسان از قراریکه در روزنامه ثبت نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت مقرب انخان
 امیر الامراء العظام عبدالملک قرین انتظام و ضبط است و با امور ولایتی و رفاه حال رعایا و انجام
 خدمات و مهات دیوانی وقت و رسیدگی کامل بعمل می آورد از جمله در دهم ماه جمادی الثانی بجهت
 سرکشی و انتظام امور سرحد انزلی از رشت حرکت کرده با بخارفت و بعد ریش روز در انزلی وقت
 کرده توپخانه و توپچی و سایر نوکرها خدی آنجا را جزو بخرسان دیده و کارهای متعلقه بان
 بوقت رسیدگی کرده و نظم کامل داده برست معاودت نمود (ذکر نوشته اند که در این اوقات
 چون اجناس ناکولات خصوصاً برنج در رشت نسیبیم رسانده بود و خدی قبل قرار شده بود که
 دکانی مخصوص در شهر رشت باشد که آنچه برنج از اطراف می آورند بان دکان بفروشند و آن
 دکان در ارضیه که برنج را میخورد بهان قیمت بخلق بفروشد و بجهت گرفتگی که صاحبان برنج بکار
 میکردند این محسنی سبب مزید علت گردیده خدی بکاربان آوردن برنج را موقوف کردند و برنج کم
 گردیده مردم گرفتار عسرت شدند مقرب انخان عبدالملک بعد از مراجعت از سرحد انزلی این
 قرار را بهم زده قدغن نمود که هر کس از بهر جاری می آورد خود در شهر بهر کس میخورد بفروشد و
 یکباره با نقد تومان وجه نقد از خود داد که با انزلی برده برنجی که از اناندران با بخاری آورند خریده
 برست بیارند و بهر قیمتی که وارد شهر میشود بهان قیمت مردم بفروشند و نیز باری که از پیر بازار برست
 می شیبانه اینک راه لای و کل است بکاربان درین حد مسافت که یکفرسج بیشتر باری پنجاهار و شش هزار
 گرایه می گرفتند و این گرایه کراف نیز یک سبب گرانی برنج و سایر ناکولات بود درین باب نیز قدغن آید
 نموده و آدم مخصوص تعیین نمود که در آنجا مراقب و مراطب باشد که باری دو هزار دینار بیشتر گرایه نگیرند خواه
 با رنجاری باشد یا اجناس ناکولات کلیایکان و خوشنار از قراریکه در روزنامه خوشنار
 کلیایکان نوشته اند امور انولایت احسن توجهات اولیای دولت علیه و مراقبت عاچه مقرب انخان
 محمد ابراهیم خان قرین انتظام و اذیت کامل در انولایت حاصل است و بجهت رفع شرارت اشهرار و
 که سابقاً با ندرستی رعایا میشدند در عایان ترک اطلاق و اوطان خود کرده متفرق میگردد در این
 هکی لیر خانه و اطلاق خود معاودت کرده مشغول عیسی خود میباشند بلکه بجهت حصول اذیت نفرین
 و سی ساله با و طان خود مراجعت کرده با کمال آسودگی مشغول زراعت و کب و کار خود هستند و
 نیز که ره بقا مصد شرارت و هرزگی می شدند درین در سال که بکرات قبه و نادیب لیر باشند ترک
 اعمال سابق کرده بر یک مشغول خود و پخته شدند

۲۴۹۱

عربستان و بر وجهی در آن قرار گیرد و در روزنامه بر وجهی نوشته اند امور آن ولایات و این
 نظام کامل است و نواب مستطاب نیز آمده و الا با حاکم دولت حکمران عربستان و عربستان
 و بر وجهی و مختصاری که بجهت نظام و تقویت امور عربستان و عربستان غلبت کرده بودند در روز
 هفتم ماه جمادی الثانی وارد در فلول شده و در خارج در فلول از دزدان فوج ناصریه و فوج امرانی از
 و سوارهای دستجات باطلان و مختصاری و سه عراده توپ که همراه داشتند یکی بقاعده نظام
 با سکو تمام بودند (دیگر نوشته اند که چون راه چادیر ازستان که راه توپ روستا از
 لنگان و آب چادیر را به عبور کرد و امسال بجهت طغیان آب عبور توپ و سه بارز و بنه بدون کلک
 مشکل بود لهذا حسب حکم نواب امیرالدوله عالیجاه میرزا عیاض الله خان نایب در فلول چهار سینه
 کلک چینی قبل از ورود و در چادیر حاضر کرده بود و از دو که با شجا وارد شد یکی را از آب سنجی عبور
 دادند (دیگر نوشته اند که امسال بی که در ما و بان رود حسب حکم نواب حاکم دولت ساخته شده
 بود زیاده بجای عبور سه بارز و توپخانه و اهل اردو آمد و چون در کمال استحکام و خوبی ساخته شده بود
 عالیجاه فتح الله خان که سابقاً حاکم پل مزبور بود مورد توارش و التفات نواب مغزی امیر که
 (دیگر نوشته اند که از روزیکه نواب مستطاب حاکم دولت از عربستان حرکت کردند نواب
 ابراهیم میرزا نیز حسب حکم نواب مغزی الیه با دو فوج فرامانی و سه عراده توپ سمیت جاگنی و از آن
 سمیت راه فرود از آنجا با هوا و از ابواز بجزیره حرکت کردند و در هر محل بقدری که لازم بود توپخانه
 نظم داخله و خارجه را داده معین راجیه نموده کسی که مصدر رنج سگداری شده بودند مورد
 توارش و التفات گردیده و نواب مغزی الیه با دو فوج فرامانی که تاریخ روزنامه دولایست
 در جزیره بودند اند (دیگر نوشته اند که باغ بنوار که از باغهای خوب در فلول و در سمت نهر کرخه
 واقع است چند سال بود که بجهت مجاورت الوار و اعراب عمارت باغ مزبور خراب و اشجار آن
 اغلب خشک و از اثر افتاده و خرابی زیاد و باوراه یافته بود حال مدت دو سال است که نواب
 ابراهیم میرزا اوقات معده و عمارت و آبادی باغ مزبور نموده و اشجار در آنجا غرس کرده
 امسال هم عمارت بسیار خوبی در محل قدیم عمارت آن باغ طرح انداخته و با تمام رسانده
 و با فعل باغ مزبور در کمال حضرت و خرمی و صفا و از آبادی سابق بهتر و با نظم تر است و همچنین
 و اغلب جا که عبور کرده اند از مزارع و و آب میرجا که خرابی در گذشته است قدغن کرده اند که
 معده و در صد و آبادی آنجا مریه بند

۲۴۹۲

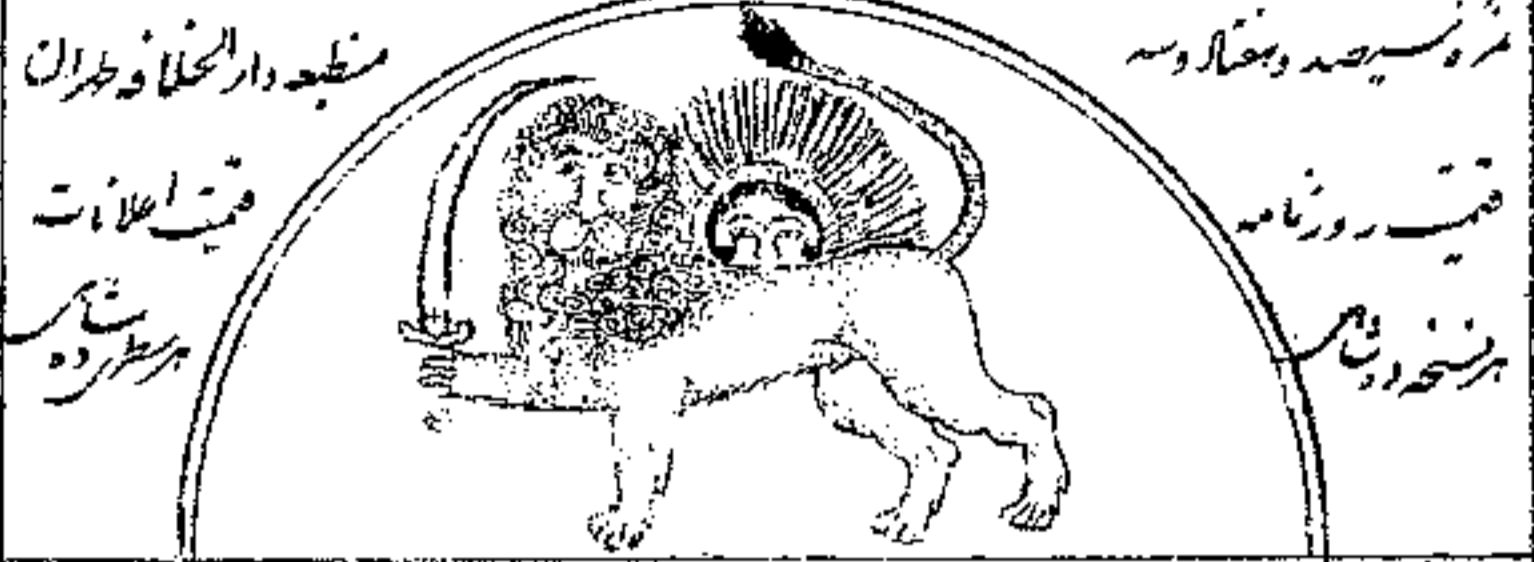
اختار و اول حاجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده و نوشته شده است
 از قرار که در روزنامه با ویدرا نوشته اند چنانکه در اکثر حکمتهای فرنگستان متداول است
 یا ویدرا نیز فراتی که سخاوت بجهت آنها لازم می شود به سبب است رهن کرده منفع جزئی و بعضی بدون نفع
 و چه بکینند و این معامله در با ویدرا و محل مخصوصی قرار یافته است و اشخاصی که برای گرفتن سخاوت
 بان محل میروند بعضی وجه قلیل المیده میجو ایند نیز صاحبان سخاوت رفتن با آنها گران می آید
 لهذا بواسطه ستاره که در دربان محل دادوستد میکنند اشیا و مهور خود را داده سخاوت
 مینمایند و اولت با ویدرا بجهت تقش احوال تنبه خود گاهی بصورت تبدیل بعضی جاها گروش
 میکند بنا بر عادت مرسوم در این اوقات بهیت یکی از احاد اناسن بان محل رفته در جلودربان
 محل داخل آن اشخاص که سبب آورده و پول میجو استند پساده بود درین بین یکی از سماران
 آمده گفته بود سخاوت ضرور دارید اشیا و مهور خود را بدید هر قدر سخاوت که میخواهید بیادوم
 قرال مشارالیه بالا پوش خود را بان سمار داده است و سبب بر روی برده صاحب سخاوت برین
 پنجومان قبول کرده و مبلغ مسطور بموت سمار مذکور بقرال مشارالیه تسلیم شده بود و بعد از نیم ساعت
 باز قرال مرزبور سخاوت مرقومه را بان سمار رد نموده و بالا پوش خود را گرفته و علاوه بر وجه مرزبور
 وجهی نیز بان سمار بخشیده و بالا پوش انبزل آورده تحقیق کرده بود که خیاطی که این بالا پوش را
 دوخته است خندهای آنرا گرفته است و کیل خرج بدقت رجوع کرده معلوم شده بود که خیاط
 تومان بهای آن بالا پوش را گرفته و در دفتر تصارف ثبت نموده اند از اینکه چیزی که برین سخاوت
 بردارند منتهای مرتبش ده تومان بیشتر از شش نخواهد داشت از مقرر بقلب خیاط ظاهر گردیده
 قرال مرزبور حکم بحبس او نموده و اجزای مجازات و رختی او بعل آورده است (دیگر در روزنامه
 رسمی لندن که از دفتر مجلس تجارت نقل نموده اند نوشته اند که از ابتدای سال گذشته مطالب
 هزاره شصت و سی و هفت عیسوی در مدت یکسال کشتیهائی که بجهت مخالفت هوا و مخاطرات
 کت و عرق شده اند عدد آنها بدو هزار و پانصد و بیست و نه قطعه کشتی رسیده است و نصف
 آنها از سفاین تجاری انجلس بوده اند پنجاه و یک قطعه آنها محرق و باقی عرق شده اند و
 یک قطعه ازین کشتیهام معلوم است که در کدام محل عرق شده باشند و ازین کشتیهام یکصد و چهار
 قطعه کشتی بخار و باقی کشتی بادبانی
 بود است

۲۲۹۲

از فرار یک روز نامه جریده اخبار اسلامبول نوشته اند در تمام سلطنت سلطان سلیمان خان غازی که مسجد جامع سلیمانیه را در اسلامبول ساخته و در انقانی نیز در آنجا برای مجانبین حکم سلطانی ساخته شد و مخارجی از دیوان برای ندای او ساخته آنها مقرر گردیده بعد در ایام باصول موضوعه آنجا خلل راه یافت چنانچه در اطاقهای اول آن حیوانات و حتی از قبیل سباع ضاره و غیره جای داده و در اطاقهای دویم مجانبین را نیز مقید داشتند چون قانون خلاف شریعت بود در سال قبل ازین علیحصر سلطانی حکم تبعیه آن دار الشفا نموده و اصول نافه و غیره آنرا تحت این نظام در آورده و اطباء و خدمتکاران معده و مخارج و وادعای برای مجانبین مقرر شده در این اوقات یکی از اطبای آنجا که با ما باشد روزنامه جریده دوست بوده او را بتبانی دار الشفا منبر و دعوت نموده و ما را با آنجا رفته دیدیم بود که بیت قدیمه آنجا بکلی تغییر یافته اطاقهای معده و او را بنا و مطبخ و سفره خانه و خوابگاه علیحده ساخته شده و سبب لازم در آنجا موجود بود در ایوان اول آنجا در آنجا نیز بقید آرام داشتند و همه سبب نظیف کیزه پوشیده بودند و بر جوشیده باشد جریده در آنجا استقبال کردند از سر آنجا حاضر آنها سواد داشتند چنانچه عاقلانه گفته از غنای سلطانی الهی شکر کردند یکی از آنها نظیر احوال ما باشد جریده را جو باشد وقتی که قهیه ما باشد روزنامه است فی الحال صحیفه نوشته و جوش نموده که روزنامه جریده آنجا با او در و شرح آن صحیفه است که من در جواب آق سیری در محله احمد که خدا ساکن بودم چندی پیش ازین با جلال الفحال دماغ مبتلا شده به بیمار خانه سلیمانیه که مجانبین اختصاص دارد وضع کردیم و در ساریه حضرت علیحصر سلطانی معرفت اطبای آنجا کسب صحت نموده و از او ای سکران عاجز و قاصرم چنانچه بیمار خانه من نور روز بر کیفیت نقصانتمش رو با نکال است بجهت جریده بودن در دار الشفا سلطانی در هر هفته یک نسخه از روزنامه جریده مجانبین است عامی نمایم که در احوال حوادث اتفاقا آن مستولی نموده بلکه خیالات بهبوده باین واسطه بکلی ترک خاطر شود و اعطای این جریده را که مستعدی شده ام همه فقهای من مستعدی شدند با بجهت ما باشد روزنامه من نور نوشته است که از آنجا با ایوان دیگر اطاقهای دیگر رفته مجانبین دیگر دیدیم و در جاست چونان شدت و صفت داشت ولی بیچیک مقید بودند و مطبوعات و پر برزانه بجهت همه حجت بود و همه این مجانبین صد و بیست نفر بودند و از دیوان ما بشری که در آنجا بود در زیر حکم او سه نفر طبیب یک کاتب و یک پیش نماز و یک دو اساز و هفت نفر خدمتکار با موداد او بر سر آنها پند داشتند در صورتیکه سرایت جنون در نزد حکم شایسته از آن نامورین حالت جنون در کسی ملاحظه شد مگر پیش نماز آنها که از هیچ سال قبل ازین تا کنون معاش که تخمینا دو تومان باشد با ما مت مجانبین اقدام دارد و درین مدت مطلقا تسویه معاش خود نموده کرده است و دیگری دو اساز آنها که ساعت خود را با حاجی یوسف نام ساعت ساز که یکی از مجانبین آنجا بود داده بود که تعمیر نماید ساعت را حوز و و خراب کرده بود و علامت سرایت جنون درین دو نفر مشاهده شد تا

۲۴۹۴

روزنامه قایم اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سنه ۱۲۷۴



اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در شب یکشنبه پنجم شهریور سنه بیست و سه ساعت و سی دقیقه از دست ساعت گذشته تحویل آفتاب برج حمل گردید
 عید نوروز فرزند سلطانی وقوع یافت اکثری از مجتهدین عظام و علمای اعلام و ذوی الاحترام و خواص محترمین شاهزادگان
 و امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون بطبقت و سران صاحب مضایق و سایر مجتهدین و در صفت
 سلام بر حسب دعوت و اجازت حضور داشتند تقدیم مبارکبادی عید فرزند فرموده و از انعام ملوکانه و شاهی شرفی
 بهره مند گردیدند و مجلس بی بسیار بگوشه و سالیکی منعقد شده بود اعلیحضرت آید سس هیایون شاهنشاهی توجه خطاب
 هیایون را بجانب جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم توجیه و معزز فرمودند که اسال ساعت تحویل سال جدید در
 اخیر شب اتفاق افتاد و بالضروره مخرج کمال مزاج و حسنی وجود ما و مقربان حضور خواهد شد جناب شرف در جواب
 فرمایش هیایون عرضند و استند که اگر چه برای چاکران حضرت وقت خواب و راحت محتاد قدری دیر میشود
 از زیارت چال مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی و شرف التکریم حضور آید سس چه قوتکهای روحانی و چه خرمیهای لغزانی
 حاصل خواهند شد و انکس در پیشین ساعتی از شب که نزدیک سحر و بقیع شرف بهترین حالت شاهنشاهی روزی و تکام
 و عارست علمای اعلام و فضیلهای ذوی الاحترام که از صمیم قلب و خصوصیت استغاثه دستلب دوام دولت ابدیت
 سلامت دانت علی صفات هیایون را از درگاه خداوند خوانند کرد البتة در عقبه حدس مند او ندی بفر اجابت
 خواهد افتاد و بعد نسبت به یک از علمای اعلام اظهار ارق و عطف ملوکانه و از زیر یک از خواص حضرت هیایون تقدیر
 شاهزاده فرموده و فی الاذیت و انتظام کشور و شکر بیان فرمودند و جناب شرف امجد ارفع را متوجه بالغات خسروانی
 از معای عیله و خدات جلیله ایشان خوشودی خاطر آید سس هیایون را اظهار فرمودند و جناب معظم الیه تیر با انکار

۲۴۹۵

گشوده بتقریرات لطیفه و بیانات ایضاً عرض اقتضای آن و تشکر بحضور مهر ظهور تالیون مؤذنه فرمای آن روز که روز عید نوروز بود
نظر بر اینکه سکر اقدس تالیون شاهی دامت شکر که تا قریب صبح نشسته و بیست مبارک تمام اهل سلام شاهی شرفی عنایت
سفر مؤذنه قدری کمالت حسنی بر وجود مسعود عارض شد بود سلام عام و شکیان و شکیک را در آن روز موقوف فرموده خلعت
مهر طلعت تالیون که عسارت از کیشوب خیمه ترمه شسته مرصع اعلی دیکشوب قنای ترمه اعلی با شرف جناب شرف امیر
عظیم فخر عنایت فرمودند و بجهت جناب جلالت نظام الملک کیشوب قنای ترمه عظیم خانی اعلی کوشاق و شالی ترمه طلعت عیدی
فرمودند فرمای آن که یوم دو شنبه بود حسب الامر فرار سلام در دیوانخانه بزرگ داده شد جنابان سفرای دول محتاجه
چون اگر هر یک جدا که شرفیاب حضور تالیون شد عرض تنبیه میگفتند طول میکشید و وقت سلام دیوانخانه بزرگ و سلام هر
که عیونم نظر مقدم تالیون بود میگفتند لهذا حسب الاجاب جناب وزیر امور خارجه در عرض معینه بشکینانه حاضر شده و با مقربان
امیر الامرا نظام الشیک آقاسی باشی صرف شربت چائی کرده بینهت اجتماع شرفیاب حضور آقاسی اعلی شدند و سکر اعلی حضرت
شاهی خلد الله ملک بود و جنابان سفر اطلالار تالیون پادشاهی شریف فرمای طلالار شدند و از هر یک مخصوصاً تقدیر مویکانه و
راهنمای شانانه اعلی آورده بعد از زمانی کشت و اظهار عطف و تهنیت جنابان سفر و اجزای سفارت ایشان در محبت با طاق دیگر فرمودند
و جنابان سفر از آنجا بدین جناب شرف امجد و بجهت نواست مطالب شرف ارفع والا و سعید دولت ابد بقام بادت کرد
بکمال احترام و اعزاز رسم مبارک با اعلی آورده مراجعت نمودند و جنابان صاحبان سفارت مجلس بواسطه
تفاهت فراموش جناب جلالت تالیون در مختار و در مجلس خود معذور بود و عصر همان روز جنابان سفرای دیگر فرمای آن روز ملاقات
جناب جلالت نظام الملک جناب وزیر امور خارجه و مقربان نظام و وزیر لشکر رسیدند با بجهت در نور و شنبه بود
شاهزادگان عظام و اعظم و عیان جا کران در بار تالیون از سران صاحبان نظام و خواجهان عظام اول مجلس جناب شرف ارفع
صدر اعظم که در عمارت متعلقه خودشان نشسته بودند آمده صرف شربت و شیرینی نموده و مبارکباد گفتند و بعد از صرف بنا بر سلام
اعلی حضرت شاهی عقد تحت مهر دیوانخانه بقدر وجود فایض انجود تالیون ریب و ریب یافت منافی بود علیه شاهزادگان
و خواص جا کران در بر شرف ام و سران صاحب منصبان نظام و خواجهان و ارباب علم و سایر خدم و ششم و تقدیر کجایش دیوانخانه مبارک از توپ
و سبزه هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاد اجزای شیک توپ و زنبور قانون معمول این دولت علیه سکر اعلی حضرت قوی شوکت
تالیون و دم جناب شرف ارفع را نجات فرموده و ما لبهائی که باعث امید واری و دلگرمی عموم الملک از سپاهی و غیرت بود با لفاظ در بار
ادامه نمود بعد از آن عالیجناب با دای خطبه بیخ بنام نامی سکر اقدس تالیون دوام بیک از دیار دولت و سوا این مقرون بود و عالیجناب
سیر علیخان شمس الشرفی که در تبریک عید نوروز چون لالی آید از برشته نظم کشیده بود و عرض بیک حضور مهر ظهور و از این کوشش نزدیک بود
و اقصان حضور نمود امور و حسن لغات حسروانی کردید سلام بخیر منقشی بعد از آن طلالار تالیون تلالا سردرب و آنجا که شرف رسیدن
ارک است شریف و ناگروید لالی و از آنکه که از صغیر و کبیر و برنا و پیر در بیان ارک مجمع بودند از زیارت وجود فایض بیکه بر چشم
و داده و در آنجا نیز شاهی و شرفی بعضی بار بار طرب و غیره رحمت گردید

چون در پناه چند فوج اجباراً از اطراف مالک محروم نبوسند روزنامه نویسان نیز و عالیجناب میرزا
 حاج میرزا جبار نظام المہام میرسد و ہر یک از وقایع کہ مناسب احوال روزنامہ باشد در ضمن روزنامہ
 دارالخلافہ طهران مینویسد لہذا در طی روزنامہ گذشتہ فقرہ کاظم نام افشار دزد را کہ تکلیس اسم خود را
 مشہدی علی ابروئی خواندہ و طالب حمایت جنرال تونسو لکری دولت بہتہ روسیہ شدہ بود نوشتہ بود
 بی خبر از اینکہ فقرہ مزبورہ ما بین اولیای دولت علیہ و سفارت دولت بہتہ روسیہ در کمال
 دوستی و صفائے کمرہ و مستغنی از ذکر شدہ است چون این کیفیت علی الظاہ حسن بر او دہدہ ^{لستین}
 کہ سہ ہفتہ کمال حاصل است فی الجملہ در نظر مای مردمان خیبر خبر بدی انداختہ و این خود خطابت
 منظور اولیای دولت علیہ بود لہذا مختصری در ضمن این روزنامہ اعلام میشود کہ اگر در تبریز از کاظم نام
 دزد چینی حرکتی صادر شدہ و کسان جنرال تونسو لکری در بادی امر خود استند حمایت از او نمایند
 مبنی بر عہدہ بود چنانکہ بعد از تحقیق و غوررسی و دہشتن اینکہ ابروئی نبودہ و دزد افشار معروف
 بودہ است انصاف دادہ خود را از ان مداخلہ و پس کشیدہ اند واضح است بعد از آنکہ دوستی
 دولتین سہ ہفتہ کمال باشد و کارگذاران طرفین در اجرای حقوق یکدیگر نہایت اہتمام سعی باشند
 این نزدیک است شجاعت بالمرہ از ما بین بر خو استہ خواهد بود همچنین در باب عزامت ناصد
 تومان کہ قبل از تحقیق و غوررسی کامل از جانب کارگذاران آذربایجان و خیر نور را از عالیجناب
 جواد خان شقائی گرفتہ بخواجه کالوس تاجر باشی تجار دولت بہتہ روسیہ دادہ اند مقصود نہ
 کہ در تحسین و تقویت مطالب تہذیب دولت و اجرای حقوق آنها کوتاہی شود بلکہ مقصود این است کہ
 کارگذاران این دولت در امور خودشان سہو نکنند و ہر فراری کہ میدہند در طبق قاعدہ
 باشد نہ از روی ظلم و انماض کہ باعث اذیت بی گناہان و نابوسی نو کرد رعیت اعلیٰ حضرت شاہ
 حجیاء خداوند علیہ السلام گرد و این ترسب دولت علیہ از کارگذاران و چاکران خود دلیل
 آن می شود کہ در اجرای حقوق دول دوست بی اہتمامی رود چنانکہ حکم صریح اولیای دولت است
 کہ در بین فقرہ ادعای خواجہ کالوس موافق قاعدہ و قانون اہتمامی سہ ہفتہ ہم برسانند تا
 امر واضح شود و در صورت وقوع وزدی مال مسروق بعینہ پیدا و مرکب ان مورد است گرفتہ
 (نظر بطور و فورم جسم خاطر اقدس ما یون شایقی در حق مقررت انجا فان میرزا عبداللہ خان
 مستوفی خاصہ در روز شنبہ گذشتہ بکثرت جتہ ترم از مہوس خاص بدن مبارک کہ نواب ^{علیہ}
 دستگیری دامت شوکتہا در ضمن رحمت عبیدی خاتمدات تالیون با تمام رساندہ بودہ در حضور ^ک

۲۴۹۷

مقرب الخاقان شارالیه بجهت فرزند افتخار او مرحمت فرمودند (چون نسبت مقرب الخاقان بجهت الخاقان
 میرزا علیخان در زیارت ثنبات عالیات بواسطه وفات مرحوم موسی خان برادرش همچنین
 بجهت فوت والده آن مرحوم که هر دو بامقرب الخاقان معشری الیه رسم سفر راه زیارتش بود
 صدقات و واروات زیاد رسید و طول و دل شکسته گردید لهذا سرکار علیحضرت قوی سنی
 اقدس سالیون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان حضرتینت خاطر و رفع دل شکستگی مقرب الخاقان
 معشری الیه بکتوب جبهه ترمه اعلی از طبوس خاص سالیون تبتیه لیس او مقرب و فرمان مرحمت
 توانان بافتخار شش صادر فرمودند و مصحوب آدم مخصوص از جانب مرحمت جناب سالیون
 ارسال شد که در ایاکن مشرفه مقرب الخاقان شارالیه اطلاع شود و بواسطه این مرحمت و
 تفقد ملوکانه تسلیم پذیر گردد (چون خاطر مهرنظاره هر اقدس علیحضرت شاهنشاهی خلد الله
 ملک و سلطان از کمال صداقت و دو تقوایی و فطر ارادت و خدمتگذاری جناب ویر
 امور خارجه نهایت خوشنوی حاصل است و در این اوقات خدمات و زحمات جناب
 معشری الیه را مندرجاً خاصه در حسن و لیسندی نواب مستطاب شریف و الا و لیسندی
 اید بقا ابد الله و البقاء و مسوده فرمان سالیون ولایت عهد سلطنت در نظر حق شناس
 اقدس ملوکانه و استشد و رای بیضا صنیای مبارک لغتلق بر آن یافت بود که التقلاتی
 نمایان نسبت با و مذبذول فرمایند لهذا در تب غیب نور و زبیر و سلطانان یک اعصاب
 مرضع بخواهر شین در حق جناب معشری الیه مرحمت و مصحوب عالیجاه مجدت مسراه میرزا
 سید کاظم سر رشته دار صند و قحانه مبارک که ارسال فرمودند و رسم در آن شب تحویل
 سال فخرنده فال سالیون با عصای مرحمتی در پیکاه مقدس و همچنین حضور اقدس شرف
 قول یافته از الفاظ در برابر سالیون رسم مشمول مرحمت و الطاف ملوکانه گردید) (چون
 عالیجاه میرزا مهدی مثنی سفارت دولت قوی شکست علیه امور بطور لوبرغ مدت نامیور
 منققی شده و در این اوقات که برب حکم اولیای دولت جاویدایت بدر بار سالیون
 راحت نمود محض مرحمت و عنایت کیطافه شال کرانی زمردی اعلی بر رسم صلحت شالیه
 مرحمت گردید) (چون مراتب خدمتگذاری و صداقت شکاری عالیجاه میرزا رضای مثنی
 خاصه سابل در نظر اولیای دولت علیه مستحسن و مطبوع افتاده بود لهذا کیطافه شال از
 سنی بجواب سالیون علیحضرت شاهنشاهی خلد الله و سلطان بریم بافتخار ویر عنایت شد

۲۴۹۸

آذربایجان

از قرار یک دور و زمانه خوبی نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت و اهتمام است
 که در نواب کامیاب و الامیر حسین میرزا حکمران خوبی و سلطنت قرین انتظام و تقاضای
 و در نظم و ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات و مهات دیوانی و اعلیٰ طرق
 و شوارع نهایت دقت و مواظبت بعمل می آورند و همچنین امور شهر و محلات نظم تمام داد
 و سرعت و شرب و شرارت هیچ وجه اتفاق نمی افتد و کسی قدرت بی زرگی و حرکت خلاف
 حساب ندارد حتی چند نفر و محله قمار بازی کرده بودند آنها را گرفته بحضور نواب معزی الیه
 آوردند و حسب احکام قبیله کامل نموده قلع عن کردند کسی اگر من بعد مرتکب اینگونه هرزگیها بشود
 مورد عقوبت و سیاست بشود (دیکر نوشته اند که یک نفر از غلامان فضل الله نام نامی
 آوردن یک نفر مقصر از ولایت سلطنت بود چون مقصر مزبور فرار کرده بود آن غلام سخته
 داخل خود بنای هرزگی گذاشته و بمنوبان آن مقصر مدون حکم اذیت کرده بود مراتب
 بعضی نواب محمد حسین میرزا رسیده فرستاده آن غلام را بحضور آوردند و حسب احکام
 و سیاست کامل نموده و جزئی مسیبتی هم که بشلاق از منوبان آن مقصر گرفته بود از او
 مسترد نموده فرستادند و سلطنت باطلاع علمای آنجا صاحب تنخواه داده قبضه
 دریافت نمودند و قدغن نمودند که بعد ازین اگر محصل و ناموری خود سر مرتکب اینگونه تعديات
 نسبت بر رعیت بشود مورد مواخذة و سیاست و عقوبت باشد و ازین وقت در سبب کی نواب
 معزی الیه بعضی داد در عابا و احقاق حق مظلومین کل انالی در عابا کمال دعا کونی و شکر که از پروردگار
 (دیکر نوشته اند که در دویم ماه رجب بر شکستگنی در خوبی و آن اطراف آمده و بهوانیت
 برودت بهم رسانند و بعد از آن هم هر دو سه روز یک دفعه ریف خبرنی می آمد و بهوا هنوز همان
 سردی بوده است) (دیکر تعبیر غله و سایر اجناس و ناکولات آن ولایت را از قرار یک
 دور و زمانه ماه رجب نوشته بودند که کم از کم بوزن جدید هزار مثقال خردواری سیر تومان
 و جو خردواری دو تومان و هزار دینار و روغن یکین پنج هزار دینار برنج یکین شش عباسی
 یک من چهار هزار و پانصد دینار پسته که اخته یک من چهار هزار دینار کوبت یک من دو هزار
 ششصد و پنجاه خردواری نعت هزار و پانصد دینار نان یک من دو عباسی و سایر اجناس
 و حبوبات نیز باین مطنه مستعمل بوده است

۲۴۹۹

اخبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده و نوشته می شود
 از قراریکه در روزنامه جریده حوادث از روزنامه های پاریس نوشته اند از سایر معتمدین برای
 با چند نفر از اعیان و همسنگهای خودش که در دول فرانستان بسرارت مشهورند از سمت مجلس
 و همچنین غنیمت پاریس کرده بودند در باب خبردار بودن از احوال آنها و بست آوردنشان از
 سیم لغراف پاریس اخبار شده بود ولی در پاریس اعتساب این خبر کرده بودند تا در شب بیستم
 ماه جمادی الاول که اعلیحضرت امیرطورفرانسه بازو خود در کالکته با کوبه امیرطوری تاجان
 بزرگ او بره نام غنیمت کرده بودند در همین که در جلوتاشاخانه از کالکته پاریس می آمدند و جمعیست
 در آنجا بودند ناگاه سه دفعه صدائی مانند صدای لشکر بلند شد سه عدد چهاره دستی بطرف اعلیحضرت
 امیرطور و جمعیست افسانند اخذ بارچه از اجزای چهارتا از نزد یک امیرطور گذشت ولی به چگونگی
 صرز نمانده امیرطور فوراً بتاشاخانه داخل شد کل اهل تاشاخانه بشکرانه اینکه اسپهبدت امیرطور
 رسید صدای بلند کرده گفته امیرطور سلامت باد دوران چین که چهارتا ترکیده بودند و در بیرون
 تاشاخانه از تبه امیرطور و سایر مردم صد و دو نفره رسس اسب مجروح و تلف شدنی بحال
 ضعیف کجی مرکب این عمل برآمده رئیس این معتمدین پراری نام را با شخصی دیگر که یکدیگر ازین
 چهارتا در جیب او بود دستگیر نمودند و مجلس فرستادند تا معرفت قوسبون مخصوص تحقیق احوال
 آنها را نمایند و هرآنکه را بدست میاورند سبب این حرکت از آنها تحقیق شود و اعلیحضرت
 امیرطور تا آخر مجلس تاشاخانه تشریف داشتند و بعد از اختتام مجلس منور بجا رفت خود مراجعت نمودند
 در همین مراجعت امالی پاریس که ازین فتنه خبردار شده بودند بزرگ و کوچک از زن و مرد در کوچه
 و باها صف کشیده باواز بلندی گفتند که امیرطور سلامت باشد و عمر امیرطور دراز باشد و
 مسرت از سلامتی امیرطور میگردد و اعلیحضرت امیرطور بجا رفت خود که رسیدند و کلای دولت که
 ملت سجد شتافته از سلامتی امیرطور ادای شکر گذاری نمودند و اعلیحضرت امیرطور لعیال داریان
 آن اشخاص که از صدمه این چهارتا تلف شده بودند هزار فراتق برسم انعام اعطا فرمودند
 (دیگر نوشته اند که در این اوقات اعلیحضرت امیرطور فرستادند فرمایش صیانت بزرگ
 که مجلس عالی میگویند نمودند و در آن مجلس شش هزار کس دعوت شده اند) (دیگر از قراریکه در روزنامه
 نوشته اند امسال در اغلب بیاضستان بسیار سخت شده و در بعضی محال که اید برف می آید
 برف زیاد آمده است از جمله در خود مالطه که هرگز برف نچا طرند استند برف زیاد باریده و امالی آنجا

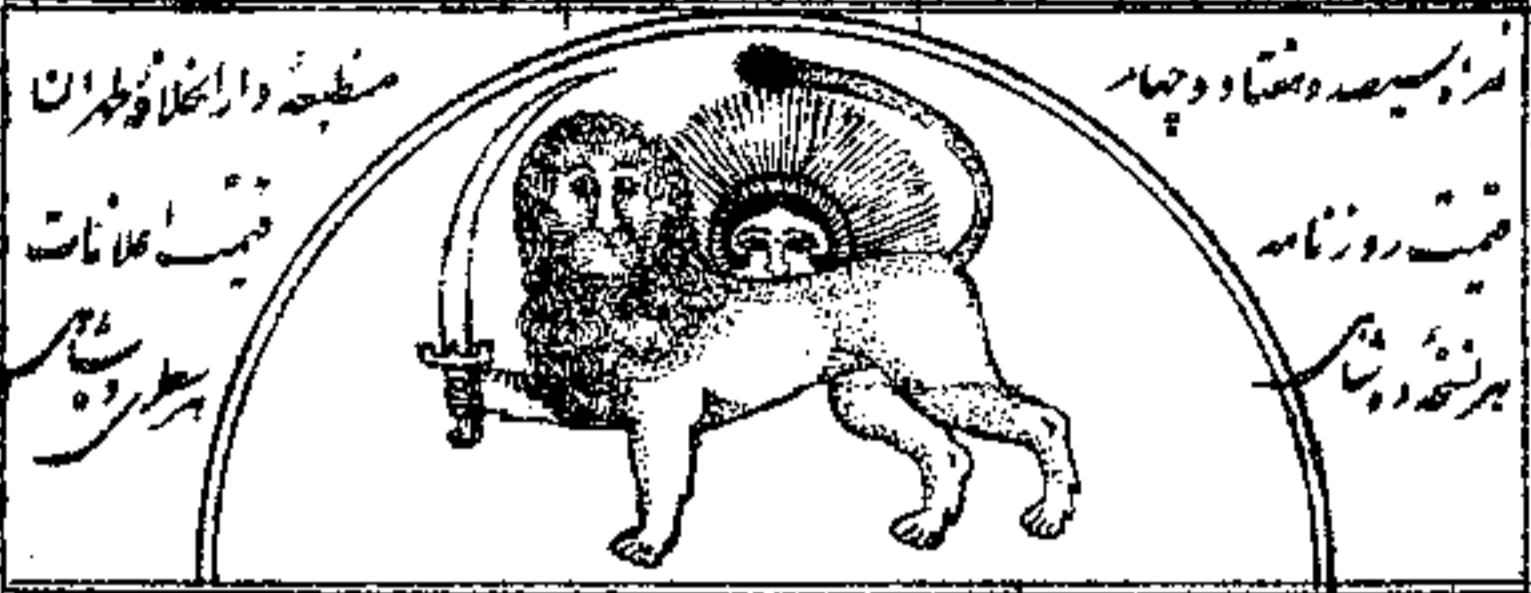
۲۵۰۰

از اینر جمله کمال تعجب را داشته اند (که آرش فوت شریل روسکی سردار بزرگ دولت استریت
در روزنامه های سابق نوشته شده بود از فرار روزنامه وینیه که بعد رسید بجهت بقای نام شریل
از جانب اعلیحضرت امپراطور استریت حکم شده است که از سواره نظام عساکر استریت دست پنجم
باسم رادسکی موسوم با و نیز حسب حکم اعلیحضرت امپراطور در وقت مشارالیه سخته احترام اول
قشون بری و بحری دولت استریت تا پانزده روز بلباس تعزیت متبلس بودند) (ملکت بیان که
در سمت شرقی چین واقع و حاوی سی لیان که عبارت از نشت کرد و خلق باشد اما لی آنجا با
درجه از امیرش با االی خارج و حث و اخراج دارند که راه تجارت بحریه چه باشد نماندند احدیر
از خارج با بخار راه میدهند و کسی را میکذارند که از آنجا بخارج برود حتی اگر بداند که کسی از آنجا
میخواهد بخارج برود او را بقتل میرسانند در ایام دولت قبل ازین بجز طر بوده است دولت
با آن دولت فرار داده است که هر سالی یک فخره کشتی تجاری فلک متاع فلک با بخار برده و در عرض
متاع بیان با بدهند و قتی کشتی فلک با بخار وارد میشود از االی کشتی بکس بشهر آنجا راه
و بنیاد صدی از کشتی بیرون بیاید و متاعی که آورده اند االی آنجا گرفته متاع اولایت با آنها میدهند
و غیر ازین با کشتی احتیاط و امیرش ندارند و االی آنجا با کشتی ادیب و امیرند و اراضی آنجا بسیار غنیست
حاصل آورد متاع و صنایع از متاع و صنایع هر جانی نفیست و قیمت دارز و تصنیف بیشتر است و آن
جزیره لکرکاهای متعدده دارد و از کشتیهای خارج اگر یک کشتی بجهت مخالفت بر ابا ان طرفنا بنقده و بخار
داخل لکرکاهای آنجا بشود راه میدهند در ایام سابق از جانب دولت روسیه و دولت مجتمه یکی دنیا
بجهت اینکه با االی آنجا با کشتی معاهده تجارت فرارچندند و درین فرستاده و محصور و بعل نیاید و از اونی
این مطلب را موقوف داشته اند در این اوقات از جانب دولت انگلیس و فرانس و مجتمه یکی دنیا
با آنجا فرستاده شده حاصل امور است آنها این بود که در صورتیکه کشتیهای تجاری دول فریور از لکرکاهای
آنجا ممنوع بوده و االی آنجا معاهده و معامله تجاری تن درند و کل لکرکاهای آنجا بنبه استیلا مقصود
کشتیهای آنها را ضبط خواهند کرد حکم ان بیان ناچار اینمندی را قبول کرد باین شرط که کشتیهای تجاری
دول فریور بیک لکرکاه مخصوص آنجا راه داشته باشند و بعد از آنکه وارد شدند مطلقا از االی کشتیها
کسی از کشتی بیرون نیاید و ماکول و مشروب و دخال آنها را االی اولایت کشتیها ببرد و با ضبط معاهد
از طرفین تنظیم داده از طرف دولت انگلیس یک قطعه کشتی بخار از طرف دولت فرانسه یک کتکاه
تلفوا بیکر آنجا اهدا کرده و طرف را امیرای حکومت کشیدند و از وضع طرف که هرگز ندیدند

۲۵۰۱

بود و منجبت شده و بسیار خوششان آمد و کشتی بخار را نیز بزرگتر کشیدند بعد از این مضمون بود در آن تجارت
 مافوق است شهر و طر مریه در روزنامه های لندن نوشته بوده اند (سابقا که از شش زلزله که در زمان
 اتفاق افتاد بود در روزنامه ها نوشته بودند که بیت و پنجاه کس در آن زلزله تلف شدند بوجه
 که بعد رسید در ظرف چند بوم سحاب یکدیگر چپ دفعه حرکت از من اتفاق افتاد چند قرینه کلی بزین فرد
 که اثری زمانه نمانده است و چند قرینه را نیز آب فرو گرفته است و از سابق و لاحق اشیا صیقلی این تر لرزها
 تلف شده اند عدد آنها را چهل نیز از متجاوز در روزنامه های مافوقی نوشته بوده اند (سابقا نوشته
 بود که حذوق بیرون شهروین پای تخت استریه را در اول این بهار قرار کرده اند نوشته بودند که عمارت نمایند
 و حجه کار کردن در آن عمارت صدبزرگس از خاک کرده است استریه اختصاص یافته بود در این اوقات از لرزه
 شرعی که در روزنامه و نه در خصوص این عمارت نوشته اند نفس شهروین سافت اطرافش در چهل و پنجاه
 طی میشود و درجه و شش شش ازین نیست در میان صورت عمارات امپراطوری و عمارات و کلای دولت کبرای
 ملت و دکاکین و چهار سوق و ازین پیشل بنا است و حجه کثرت نفوس کوچها تنگ و خانه ها کران بها
 کرایه زیاد دارند حتی در ادنی محلی اگر کسی بخوابد اطاعتی که با نماید کمتر از ماهی ده تومان ممکن نیست و محله های بیرون
 شهر عا دنا مکان فقر شده است و دکاکین موجوده بقالی و قصابی و سبزی فروشی متداولست لهذا بجهت
 وسعت دادن شهر که محله های خارج شهر را نیز داخل شهر نمایند که هم درون شهر وسعت بهم رسانند هم خارج
 شهر بجهت آبادی و صورت در آید درین بجا قرار شده است که برج و باره و حذوق شهر را منهدم و مسوار
 نمایند و بعد از آنکه خارج و داخل شهر را بهم متصل گردانند کشیدن صورت دیگر را لازم ندانند فقط در بعضی
 مواضع مناسبه در شهر قرار گذاشته اند که چند قلعه بنا کنند و این اراضی که داخل شهر میشود به کس
 ضرور داشته باشد بفرستند و از جوی که از قسمت این اراضی حاصل میشود اجرتی را که در آنجا کار
 کرده اند موضوع نموده باقی را داخل خزان نمایند) (دیگر در روزنامه های روسیه نوشته اند که بجهت
 شدت بروت که اسالی در حوجهت یک اتفاق افتاد و کشتی تجار تی پی از انگلیس و دیگری از روس در
 میان نیخ انجا و یافت بود بجهت بیرون آوردن آنها از میان نیخ چند قوط بان محل برده و بیخ اطراف
 شیبهاست کلولهای پاینی خالی کرده و بیخ را بهم شکستند و رابیرون آورده و نوشته اند
 که تا این ایام با بنظر بروت و نیخ بدان در آن اطراف مشاهده شده بود و کسی یاد ندارد
 حتی آب که از نیخ میبرختند بزین نرسید و منجمدی گردید

روزنامه قاجاریه تاریخ یوم چهارم شمس شعبان ام بن ابی اسحاق



اخبار و اخبار ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که ایام گرامی عید است امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون بکلیت
 و قاطبه جاگران در بارها یون بید و باز دید بگردن مشوئند و هوایم بچند آید بسیار خوب است
 و بحسب بروست فی اسبجه از سالهای دیگر سردتر است ولی نه بجز بکوشک و اشجار ضرر برساند و بجز
 و روز هر کوی نعمتی در دارالخلافه مبارکه حاصل است و عموم المالی از اعالی و ادالی اسوده خاطر بدعا که
 ذات اقدس بایون شاهنشاهی اشتغال دارند (از جمله اعیان و معظله میر که سابقا درین دولت علیه رسم بود
 و اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطه بیاقتضای خلوص نیت و حسن عقیدت ملوک
 و روح الله اظهار عظیم صلوات الله الملك البحار برقرار فرمودند عید مولود مسعود حضرت صاحب العصر الزمان
 قائم ال محمد صلوات الله علیه جمعین است که در نیمه شعبان مولد آن منظر الطاف الهی وقوع یافته با رسال
 لوازم این عید سعید الهی اقدام فرمودند و این عید را از جمله اعیان و معظله فرار دادند و مقرر فرمودند که بر سال
 در کل ممالک محروسه این عید را مانند سایر عیاد معظله در کمال احترام بگردانند و در شب چهارشنبه
 شب نیمه شعبان بود اسباب جشن و تهنیت در حضور هزاره فراسم آورده آن شب را بعیش شاد
 بسر بردند و در چهارشنبه با نرد هم که روز عید بود تمامی امر او مقربان در بار گردون ام و جوانین
 ارباب قلم بقرار سایر اعیان معظله اول مجلس جناب شرف مجد ارفع صدر عظیم انجم در عمارت ارک
 مستطبه بچویشان رفته و در خدمت جناب معظله البی صرف شربت شکرینی و ادای نیت و مبارکباد
 و در همان مجلس معرفت انجمنان آقا محمد حسن حسند و قدر کثیوب جبهه ترمه لای شمس مروضه سیکین از طهران
 حاضر

۲۵۰۳

بدن مبارک از جانب سنی بجا آمد قدس جان خلف عبیدی آورده از جانب جناب معظم المیه لازم
توقیر و استقبال و احترام بجا آمده زین برود و دشمن خود نمودند و حصار مجلس تنبیت و مبارک گدا
و بعد از صرف نهار که سبلا حضور مظهر ظهور مایون شاهنشاهی اجناس شدند در عمارت بلور که در باغ
پادشاهی است سر ریاضت بفرود جا فانیس بجا و مایون زین و زینت گرفته سلام عبید مکتبی انعقاد یافت
امشاهی دولت علی و شاهزادگان عظام و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین و ارباب علم
سایر خدمت چشم هر یک در مرتبه بجام خود استیاده جناب جلالت شرف امجد ارفع صدر اعظم
نیز در اینگاه اقدس حاضر آمد و خطاب بامر آیت خسر و انی مخصوص شده و از هر مقوله فرمایش طریقی
که دلیل کمال جنت و عطاوند نسبت به تمامی الهی مملکت از سپاسی و عین و آبادی مملکت بود و
گهر باراد افروند و اجرای شیک توپ و زین و ک و ادای خطبه و نصیحه بجا همه معمول اعیان و
سلام عید بود مبارک حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه بخیر منقصری گردید (چون متفرج
امیر الامرا العظام محمد ناصر خان اشک آباقی باشی در سلام عبید سلطانی و نظم و ترتیب اهل سلام
و آراشکی و سکو آنها اهتمام بعمل آورده بود لهذا با عطای یکشوب جبهه ترمه از جانب سنی بجا
مایون فرین افتخار و مبارک آمد) (عالیجاه مجد سیراه حاجی محسن خان سرمنگم فوج سناوند که
نامور فارس بود چندی قبل که از فارس با فوج ابواجیحی خود مرخص و در بناد مشغول نظام و
رسیدگی امورات فوج مزبور بود در این اوقات شرفیاب و در بار عدالت مدار گردیده مورد رعایت
و مرحمت اقدس مایون شاهنشاهی و ادولبیای دولت قوی شکت شده و در ازای خدمت سفر فارس
یک طاقه شال لاک کرمانی اعلی برسم ضعیف بافتخار عالیجاه شالیه حمت شد) (عالیجاه مجد رضا بیگ
یا در اول توپخانه مبارک که پیر مرحوم زینل بیگ باور شایر چون مدبرش سالها خدمت کرده و در راه
در بهرات بخدمت کلان توپ بصدق فرق مایون شده و خودش نیز در توپخانه مبارک که پیش خدمت کشیده
و در مأموریت بوشهر کمال رشادت از او بظهور رسید حسب فرمان مایون منصب جلیل مأموریتی توپخانه
مبارک برقرار و یک طاقه شال کرمانی اعلی برسم ضعیف با زلیه حمت شد) (چون عالیجاه مجد سیراه
آیت صاحب مأموریت بهم رسانده است که در دار الخلافه بعضی امور لازم را بکنند لهذا بر حسب اجازت
دولت خود شش ماهی فرود شده که در بار مایون بیاید و از سفارت مستقیم به سورتس دولتی قرار شده که
مجدت مسیراه دکن صاحب نایب دویم سفارت موقتاً رفته در تبریز کفیل امور قنصل خبرگانی با و این
دور روز خواهد رفت

۲۵۰۴

دیگر نوشته اند که چندی بود بعضی اموال مردم در شهر خارج برفت میرفت ولی سارق محلی
 بنام تاورین اوقات فحلی نام توپچی بازو چه خود مزاج کرده و خواسته بود و اطلاق داده
 دیگر بکیر و ضعیف نیز حاجیاه میرزا علیخان بکیر یکی رفته مذکور نموده بود که شهر من سر کرده سابقین است
 دشمنان با دستیاران خود سخنانهای مردم رفته دزدی می کنند و با فعل مبالغی اموال مردم در
 خانه او پنهان است و اسمی رفقای او را نیز قلمداد کرده حاجیاه پشاور البه قور آفرستاده فحلی نام را
 با شش نفر دیگر از رفقای او دستگیر نموده و اطاقهای او را مهر کردند و مشارالیه را با سران آن
 محصور نواب مستطاب بنوید الدوله آورده بعد از تحقیق و تفتیش نیز حکم محبس او نموده معلوم کرد
 که این در زمان از خطایه زر کردند و شغل ظاهر آنها توپچی کرمی است و از امر او خویشین کشتی طالب کاشتن
 توپش باشد باین دست او بر پیش او توپ میزند و سه چهار سال است که در شهر و خارج شهر راهها
 اقدام دارند بعضی از آنها در شهر و بعضی در خارج جا در نشاند و بر عهد و کرم میر میروند در جن گرفتاری
 و در آن یکی از آنها قرار کرده بیان می زر که رفته بود و از قرار قلمداد آن ضعیف جمعی ازین در آن هم در میان
 بوده اند نواب معزی البه آدم فرستادند که آنها را هم گرفته بیاورند و از اموال مسروقه آنچه در خانه فحلی
 موجود بود آورده بستانی دادن صاحبان مال و نقد توپ ساقین بصاحبان مال رد نموده و آنچه مسعود بود
 قلمداد آن بر در سمت یزد و کرمان برده بفرستد رسانده اند و اموال مغربان بشار الملک و نواب عبدال
 و غیره که برفت رفته بود و کلا در میان این بسیار مسروقه بود و علاوه بر اینها قالی که و سندان و باب قلابی در
 سبب آنها بود (حاجیاه امامعلی خان قاجار شیک قاسمی نواب مستطاب بنوید الدوله در اهل حب از مسقط
 نموده جناب محمد رضا بن اولا حمید ثوبی امام مسقط کشتی خود را ساقین نموده حاجیاه پشاور البه را از مسقط
 ابو شهر رسانده بود و از قرار قلمداد حاجیاه پشاور البه جناب امام مسقط لازم توپیر و احترام را از آن در
 مبارک که بجهت ارفاد شده بود و لعل آورده و عریضه و در کس که عربی بسیار خوب خدمت نواب
 مستطاب بنوید الدوله فرستاده بود) (دیگر نوشته اند در پنج فرسخی بر که واقع در تبرغان قلعه در
 بود و جمعی از معزین اعراب آنجا را کمن خود کرده بنیاد شرارت میسند و ند و قلعه مزبور مستحق بخیل بود و مردم
 مسقط حاجان امام مسقط قلعه مزبور را خراب و شرار آنجا را متفرق کرد و بود در این اوقات بار توپ
 اعراب مزبور و آنجا احداث قلعه جدید کرده و استحکام داده بنای فساد و شرارت گذاشته بود
 جناب صید ثوبی بجهت رفع مآذ و فساد آنها این اوقات جمعیتی فرهم آورده عازم آنجا گردید است که
 معزین آنجا را قبیه و قلعه مزبوره را خراب نماید

۲۵۰۶

کرمان

از فرار که در روزنامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت و کمال کفایت و اهتمام
 امیرالامرا العظام سپهبد ارکمان کرمان قرین انظام کامل و در فاه و امنیت از برای ایام آن ولایت
 امور شهر و محلات نهایت انظام دارد و سرعت و شراتت بیچوجه اتفاق نمی افتد و همچنین طاق
 و شوق و منزل عرض راه آن سرحدات سر جاسم حفظ و تحفظ و حراست و عابریین از قوافل و
 روادار با کمال اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند چنانچه زواری که بزیارت عسکرات عالیات رفته
 بودند سالها با وطن و اماکن خود مراجعت کرده اند و نیز قوافل که از سواد فارس و یزد و خراسان
 با متاع تجارتنی عتقت کرمان نموده بودند صحیح و سالم وارد گشته است خود را فروخته و همه کرمان
 خریداری نموده معاودت کردند و کلی کمال شکر گذاری از افضیت راهها داشته اند (دیگر نوشته
 در غزوه ما در جب حلفت مهر خلعت ملوکانه و فرزان در لعلان که با عز از جناب قدوه العلماء و المحققین
 حاجی سید جواد امام جمعه و جماعت کرمان از جانب سنی بجا این اتفاق افتاده بود پرتو
 و عدل افکن و امیرالامرا العظام سپهبد ارکمان و احترام جناب معسری البیه و توقیر و تکریم
 خلعت های یون جناب معسری البیه را با جمعی از علما و فضلاء و اعیان و اشرف و متجارت و غیره بدو
 ارکمان منزل خود دعوت نموده و در اینجا بدست خود خلعت های یون را زیب برد و دست جناب معسری
 نموده لوازم دعا کونی ذات اقدس های یون شهر یاری خداوند ملک و سلطان بعل آمد) (دیگر نوشته
 روزنامه ماه جب که نوشته اند چون اوقات آخر سال بوده حکام و مباشرین بلوکات و محلات
 بیچوجه گذرانیدن محاسبات سال گذشته و گرفتن دستور العمل سال آینده بکرمان احضار کرده و
 مقرب الخاقان میرزا محمد مستوفی بیکار کرمان با مستوفیان آن ولایت بر سبب کی محاسبات و محاسبات
 ولایتی مشغول بوده اند) (دیگر نوشته اند که در این اوقات ناخوشی بسیار سرفه و سرخچه در میان
 الخاقان کرمان بهم رسیده است بطوریکه ظنی نماید است که زمین ناخوشی گرفته باشد و اغلب هم
 بهلاکت میرسد کتری جان سلامت بدبیر بند) (دیگر نوشته اند که چند نفر فرادر لوب شنبه
 شخصی شال بافت رفته سیرده طاقه شال کرمانی دزدیده بودند و زمین راه که میردند بقر اولان
 فوج کمره بر خورده فراد اولان شالها را از سارقین گرفته بودند و سینه ار او را در دستار
 شالها آمده شالها را با دستنیم نمود) (دیگر نوشته اند که توپچی و سرباز ساخلو کرمان همه روز مشغول
 شوق میباشند از جانب جناب نصیبان کمال مراقبت در مشغول نمایند)

۲۵۰۷

اخبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده نوشته میشود

از قراریکه در روزنامه فرانس نوشته اند از سفایر تجاری یکی دینا کشتی اوران نام که سه هزار خروار باربری
 داشت از نیکی دینا حرکت کرده در نیسی که از ست اسپانول میگذشت بکشتی بخار تجاری فرانس که این
 نام داشت بفرس بر جوده و بجهت کشتی یکی دینا کشتی بخار فرانس مشرف بفرق شدن کردید چون
 کشتی یکی دینا دید که خلاص کردن کشتی بخار از غرق شدن محال است در بیرون آوردن ادعای آن کشتی
 نقل کرده بود و پیش از آنکه اگر آنها خلاص شوند. اینکه این کشتی یکی دینا سبب غرق شدن کشتی آنها
 ادای شهادت خواهند نمود آنها را همان حالت گذشته و گذشته بود کشتی مزبور با اهل آن غرق شد
 و سه نفر از سبایان که در آن کشتی بود با بفرسی به زورق و تخمه پاره خود بساحل رسانده گذارند
 بان محل اخبار کردند و کشتی یکی دینا از جانب حکومت توقیف شد تا بجای که آنها رسیدگی نمایند بعد الحاکم
 حکم شده بود که اینک اموات ارفقایای اتفاقیه است و بگردن قبودان کشتی یکی دینا چیزی وارد نیست
 مدعیان متقاعد شده و محاکمه را از سر گرفته در شانی هم همین جواب شنیدند باقیم متقاعد شده محاکمه
 مجلس خاص دولت فرانس کشیدند و در آنجا قبودان مزبور از اینکه اهل کشتی مسبوبات از غرق شدن
 نماید و نقل کرده است تقصیر کردن او را و آمدن صد هشتاد هزار تومان او را تجریم کردند و باین جهت
 کشتی او را بکشتی از خانه فرانس کشیدند تا ادای وجه مزبور را نموده بعد از آن کشتی او مرخص باشد
 قبودان مزبور در آنجا با یکی از قبودان سفایر تجاری دیگر که در خارج کشتی از خانه لنگر انداخته بود
 در جزو مهمته شده و از خارج تبارک بعضی اشخاص مجهول الاحوال شبانه شراب و سایر لوازمات را
 از آن کشتی خارج بکشتی خود را آورده و بخار انداخته کشتی را حرکت داده از لنگرگاه بیرون آمد و مستغنی
 که در خارج بودند نیز غافل نموده کشتی را گذرانده بود روز دیگر در کشتی مزبور معلوم ضابطان محل گردیده
 گذارش را بواسطه تعارف بر یکی دینا و سایر دول اخبار نموده و سه قطعه کشتی بخار دولتی نیز هفت او
 فرستاده تا بحال اینطور فرار کردن کشتی از کشتی از خانه دولتی فرانس شنیده نشده و معلوم نیست
 که کشتی مزبور بکدام طرف و کدام محل فرستاده باشد (دیگر در روزنامه نوشته اند که مالی رسیدن نام
 کنون روسستانی که بجای چراغ از بخار ذغال سنگی متداول است ندیده بودند در این اوقات در
 شهر قالمونه کارخانه این روسستانی ساخته و بهر محل فانوسی وضع نمودند و از آن کارخانه روسستانی
 بان جایها تافت از اینکه کل این فانوسها بدست یک نفر روشن میشود و خاموش میکند و چنان
 رسیده که صاحب این کارخانه با اتفاق اجنه این کار را می کند لهذا صحبت کردند که آن کارخانه را بجز

۲۵۰۸

۷

مأمورین بجای آنها برآمدند و آنها را متفرق کردند و فرار گذاشتند که در آن کارخانه و در هر جا که فاکتور
از آن در وستانی متفرق اول بگذرانند که کسی در صد و خرابی انجام بر نیاید (از فرار بکه در روزنامه
جریده بحوادث اسلامبول نوشته اند در بیت دستیم ماه جمادی الاخره صورت مذکوره رسی که به
سفارتخانه داده شده ازین قرار است از نتیجه دولت علیه و از اجنبیه کسانی که قمر و کار و سایر
آلات و اسلحه جارحه با خود بر میباشند و یا در جیب خود طباخچه داشته باشند یا یکی فی الحال از طرف
دسگیر و در روی اسلحه آنها اگر از لقمه آلات و غیره باشد صاحبان آنها را و شده فقط بیخه های
اسلحه در نزد ضابطه توقیف ضبط شده و این گرفتاران باندازه جنایت و تقصیرشان از سزا
الی سال حبس یا شش ماه قرار داده شده و درین باب از سفارت های دول متجاوزه که به نتیجه دولت
خود این قبیهات قویه مؤثره را القاد اجراء دارند با ذکر التماس شده بود در این اوقات بموجب
اشعار از جانب ضابطه باز از کرده او با شش دسگیر معز ان تبعه خارج بعضی آلات و اسلحه وارد که
منع شده بود بر خود بسته و ما بین آنها در منازل خبری یکدیگر را زخم زده بگردانیدند و انبای مسیبل را
هر کس آنها را ست بیاید ز خدای و مقول می کنند و گذشته از آن وقتی که دسگیر میشوند باران
انها آنها را با اسلحه که داشته اند طلب می کنند منظور مطالب از مخالفت مذکوره که داده است پیش بود
فایده در او بچشمول نمی بسته و فی الواقع دوام و بقای اسکیونه امور خلاف قاعده سلوب الابرار
ضابطه بدیهه را باعث میشود لهذا قبیهات بعد بدین قرار تجدید میشود که بعد ازین هر کس ازین قبیل
ممنوعه با خود داشته باشد فی الحال ضابطه باید او را بگیرند و باندازه تقصیر خرابی آنها لعل آید و یا
از مالک محروسه بدولتهای خودشان طرد و تبعید شوند و از سفارتخانه های دول متجاوزه نیز او
این قرار از جانب دوستانه آنها درخواست میشود (دیگر نوشته اند که از انالی هند که وی پیش
پرست هستند بنا بقانون خودشان در اول کانون دریشی در یک محلی شش بسیار افزونند و حل
از اهل این ملت در آنجا جمع شده در بین اینکه قربانها هیچ کرده باش می انداختند و نفر از زبانان
انها از کمال شوق خود را در میان شش انداخته کباب هندی ساختند (دیگر در روزنامه
نوشته اند که اجبا برای کس معلومات خودشان کسانی را که در بیمارخانه های غریب فوت شده اند
کسی را اندازند آورده شرح بنمایند در این اوقات شخصی در بیمارخانه های غریب فوت شده اجبا
او را آوردند که شرح بنمایند بعد از آنکه بار زوی او را بریدند حبه شش سحرکت در آمده و رفته رفته
صحت نموده الان در قید حیات است

۲۵۰۹

گذارش ترویج و تخریب حضرت پادشاه انگلیس به پسر نواب پرنس و لعید پادشاه برسیه که ولایت
 بنایم تبعاً می پادشاه پروس منسوب است در روزهای سابق نوشته شده بود از قرار روز
 لندن که در بین اوقات رسید است در روز یازدهم کانون ثانی رسم سور و عزوسی بر
 اجری گردیده در روز نهم و ششیلکهای بزرگ و شبها چراغانیهای عظیم شده است و درستی
 که همراه عروس بود اندک بسیار را که بکالسه سوار می او بسته بوده اند کشته و لزا اولاد کبری
 انگلیس و طلاب دارالفنون بقدر مقصد نفر از بزرگ زادگان کالسه فروردین به دست ماسرای عروسی
 کشیده اند و از بین قبیل انواع تکلفات و احترامات دیگر عمل آورده اند (دیگر در روزهای
 گذشته اند که نظر به مقصدی که از مقصدین در حق اعلیحضرت امیرالطور فرانسوی ^{خطات} _{و بعضی ملا}
 دیگر پنج اردو که مرکز مجلس آنها در پاریس باشد و هر دو فی در تحت حکومت صاحب صبی که در پاریس
 مشتمل باشد و جمله آنها در تحت حکومت ناظر حریه دولت فرانسه باشند مجدداً در پاریس برپا
 داده اند) (دیگر در روزهای سابق اشخاصی را که درین مقدمه قصد اعلیحضرت امیرالطور
 ضرب چهارمای دستنی تلف شده بودند صد و دوازده نفر نوشته بودند بموجب روزنامه که بعد
 عد و این اشخاص را علی تحقیق صد و پنجاه نفر نوشته اند اعلان مقرب الخاقان و اکثر اولاد
 حکیم باشی خاصه اعلیحضرت شاهی اعلان می نماید که چون در فرنگستان فی شکریت و عمل نمی آید باید قدر از
 شیره نوعی از چند ریبازند که از چند قندی می نامند و اکثر قندی که باسم قنداروسی فروخته میشود
 همان قند ساخته از شیر چند است و شیرینی آن چند ریباست که از کبچ و آران از مغز من الی این قند لعل می
 و بعضی آن هم برای دواب و کوفته خوراک بسیار خوب است و ازین جهت که منافع کثیری از چند ریباست کاشتن چند
 در بلاد فرنگستان شیوع دارد مخصوص که قوت زمین را هم کم نمی کند بلکه سال دیگر که آن را منی زرع میشود کندم بسیار
 چاق و فربه میروید و طریقه کاشتن آن مثل کاشتن تخم همین چند ریباست مگر اینکه برای بزرگواران باید مثل ارغی
 صیفی کاری معمول این ولایت باشد که بزین ریش بداند و قوی شود و آب دادن آن هم باین طریق
 سجد وسط و اندازه خواهد بود و سال اول ریش بند که استمال میشود سال دوم همان ریش را که از سطر محاطت کردند
 تخم سید چون در سیلابات بسیار خوب عمل می آید مناسب است که در ولایت ایران نیز معمول و متداول شود
 هم تخم چند ریباست برای کاشتن و هم ریش سجد تخم گرفتن در نزد مقرب الخاقان بسیار الیه موجود است
 هر کس طالب باشد و خواهد بود بقدر کفایت بی قیمت و بدون مضایقه داده میشود ^{میرزا} _{میرزا} ^{میرزا} _{میرزا}
 شارالیه رفته هر قدر لازم دارد بگیرد

۲۵۱۰

